

پیشگیری وضعی از بزهکاری مدیران بانکی در قبال تسهیلات مالی با مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و کنوانسیون مریدا

زینب نوروزی دره بیدی^۱، محسن شکرچی زاده^{۲*}، راضیه قاسمی کهریزسنگی^۳

چکیده

زمینه و هدف: با گذشت زمان و شکل‌گیری نیازهای اجتماعی و اقتصادی، بانک‌ها و مؤسسات مالی به تدریج شکل گرفته است؛ به طوری که امروزه نبض اقتصاد هر کشور وابسته به این نهادهاست. به دلیل زمینه اقتصادی برخی از جرایم مالی ارتكابی توسط مدیران بانک‌ها، سیاست جنایی ملی و بین‌المللی باید رویکرد پیشگیری وضعی از بزهکاری مدیران بانکی در قبال تسهیلات مالی اقدام نموده تا زمینه اعتماد مردم به نظام بانکی و اقتصادی را به نوعی تضمین نمایند.

روش‌شناسی: نگارندگان در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به واکاوی پیشگیری وضعی از بزهکاری مدیران بانکی در قبال تسهیلات مالی با مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و کنوانسیون مریدا پرداخته‌اند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اگرچه در حوزه پیشگیری از بزهکاری مدیران بانکی در قبال تسهیلات مالی می‌توان از هر دو گونه راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی و وضعی استفاده نمود، اما پیشگیری وضعی بنا بر دلایلی، همچون سرعت در رسیدن به نتیجه، بیشتر مورد اقبال قرار گرفته است. در این راستا یکی از راهکارهای پیشنهادی، کنترل دارایی‌های مدیران بانکی و پایش مستمر آن است. این امر می‌تواند حس در معرض نظارت بودن را برای آن‌ها ایجاد کند و نخست، از وقوع فساد توسط آن‌ها پیشگیری نماید و دوم، در صورت وقوع فساد در قبال تسهیلات مالی و به دست آوردن عوایدی ناشی از آن، فساد ارتكابی توسط آن‌ها سریعاً کشف گردد و سایر اقدامات مقتضی قانونی در خصوص آن‌ها صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: بزهکاری مدیران بانکی، پیشگیری وضعی، بانکداری الکترونیک، شفاف‌سازی دارایی کنوانسیون مریدا.

۱. گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول). Mohsen.Shekarchi@gmail.com

۳. گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران و گروه حقوق، واحد تیران، دانشگاه آزاد اسلامی، تیران، ایران.

مقدمه

پیشگیری وضعی برخلاف پیشگیری اجتماعی، مبتنی بر تقویت ارزش‌های جامعه، متعالی کردن نهادهای آن، بررسی ریشه‌های بزهکاری و قطع آن نیست بلکه به طور ساده بر کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تکیه دارد؛ در واقع به جای پرداختن به انگیزه و نیت درونی افراد که تغییر آن‌ها دشوار می‌باشد سعی دارد به راه‌های دستیابی مرتکب به موضوع جرم یا بزه‌دیده و افزایش زحمت و خطر برای مرتکب بپردازد، تا از این رهگذر راهکاری عملی برای پیشگیری از وقوع جرم ارائه نماید.

فصل دوم قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد با عنوان «تکالیف دستگاه‌ها در پیشگیری از مفاسد اداری»، ذیل ماده ۳ دستگاه‌های مشمول بندهای این قانون و مدیران و مسئولان آن‌ها را در راستای مداخله در «وضعیت پیش جنایی» و برهم زدن معادله ارتکاب جرم از طریق افزایش احتمال افشاء و دستگیری، مکلف ساخته است نسبت به ایجاد دیدارگاه‌های الکترونیکی و پایگاه اطلاعاتی قراردادها با هدف ارتقاء شفافیت اقدام کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۶۹)

تبصره ۲ ماده ۳ قانون ارتقاء، تأخیر در ورود اطلاعات مذکور در بندهای الف و ب این ماده با ورود ناقص اطلاعات با ورود اطلاعات برخلاف واقع در پایگاه‌های مذکور را تخلف محسوب کرده و مرتکب را مشمول شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمت در دستگاه‌های موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون، قرار داده است. قانونگذار علاوه بر این، از یک سو در بند ج ماده ۲۸ همین قانون، در چارچوب سازو کار کنترل اجرای این تکلیف، شورای دستگاه‌های نظارتی موضوع ماده (۲۲۱) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه را موظف ساخته است که از یک سو، اقدامات دستگاه‌های مشمول قانون را از طریق تهیه گزارش درباره عملکرد و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه از فساد، اعلام نقاط قوت و ضعف و ارائه پیشنهاد به دستگاه‌های مسئول بررسی کنند و از سوی دیگر، در ماده ۳۲، مسئولیت اجرای این قانون و مصوبات ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های مشمول را بر عهده وزیر و بالاترین مقام دستگاه ذیربط قرار داده است و افراد یاد شده را مکلف ساخته است با اتخاذ تدابیر و سازوکارهای مناسب، از حداکثر ظرفیت واحدها و بخش‌های نظارتی و سایر بخش‌های مربوط به کنترل اجرای این قانون استفاده نمایند (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۷-۳۱). نگارندگان در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سوال اصلی هستند که راهکارهای پیشگیری وضعی از بزهکاری مدیران بانکی در قبال تسهیلات مالی چیست؟

۱. شفاف سازی دارایی مدیران بانکی و ضمانت اجرای عدم رعایت آن

یکی از پیامدهای عدم مستندسازی و فقدان شفافیت، مشخص نبودن میزان دارایی افراد در زمان تصدی شغل دولتی و تغییرات انجام شده در آن در طول فعالیتشان می‌باشد. این وضعیت حاشیه

امنی برای مقامات دولتی جهت ارتکاب فساد و گسترش آن فراهم می‌آورد. رؤیت‌پذیری و شفافیت دارایی کارمندان و مقامات دولتی موجب پیشگیری از ارتکاب مصادیق فساد مالی توسط آنان خواهد شد. از این رو، قوانین و مقررات مربوط به افشای منابع مالی همراه با افزایش شفافیت دارایی مقامات دولتی باعث افزایش میزان پاسخگویی می‌شود (شاهیده و جوان جعفری، ۱۳۹۶: ۱۲۵ - ۱۲۹).

یکی از مهمترین راه‌های شفاف سازی اموال و دارایی مقامات دولتی، توسعه رسانه‌های جمعی کار آمد و پرس‌و‌جوگر است. رسانه‌ها نقش کلیدی در تحقیق اعداد راجع به فساد مالی و افشای آن ایفاء می‌کنند. بدین جهت، همه نهادها و فعالان سیا باید از طریق افکار عمومی و رسانه‌های جمعی تحت نظارت باشند.

۱-۱ الزام مدیران بانکی ایران به اعلام دارایی

مقامات دولتی در طول دوره تصدی سمت دولتی باید همواره در مقام پاسخگویی در خصوص اموال و دارایی خود و خانواده‌های خود باشند تا اگر افزایش نامشروعی ایجاد شده باشد، بتوان با آن مقابله کرد و مرتب‌تین و تأمین‌کنندگان منابع مالی را نیز شناسایی کرد. هدف این شیوه غیرمستقیم مقابله با فساد ایجاب می‌کند که دولت‌ها، مقامات عمومی را که دارایی‌های آنان طی دوره تصدی به شکل نامعقولی افزایش یافته و با توجه به عواید و درآمدهای قانونی آن‌ها دلیلی برای چنین افزایشی وجود نداشته است تحت پیگرد و مجازات قرار دهند. برای تحقق این هدف برای حکومت‌ها (و در برخی موارد عموم مردم مهم است که از امکان مقایسه دارایی‌های واقعی صاحب منصبان عالی رتبه قبل و بعد از دوره تصدی مناسب برخوردار باشند. این ارزیابی مالی به هنگام رسیدگی به اتهامات فساد، شاخص مهمی به حساب می‌آید (دیلیو پارتی و سوپرامانین، ۱۳۸۶: ۲۶).

کنوانسیون میریدا در بندهایی از مواد ۷ و ۸ دولت‌های عضو - از جمله ایران - را برای ارتقاء شفافیت در اعلام دارایی مقامات دولتی ملزم نموده است. این موضوع در اصل ۱۴۵ قانون اساسی^۱ نیز اشاره شده است. طبق اصل مزبور رییس قوه قضائیه قبل و بعد از خدمت به دارایی برخی

۱. طبق اصل ۱۴۲ قانون اساسی دارایی رهبر، رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رییس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد. همچنین به موجب ماده ۱ طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولین و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران: «مقامات تعیین شده در اصل ۱۴۲ قانون اساسی، فهرست دارایی‌های خود، همسر و فرزندان خود را مطابق آیین نامه‌ای که توسط قوه قضائیه ذیل این قانون تهیه و ابلاغ می‌شود، در ابتدا و انتهای دوره مسئولیت به رییس قوه قضائیه گزارش می‌دهند و قوه قضائیه نسبت به رسیدگی به اموال آنان از جهت بررسی عدم افزایش من غیر حق اقدام می‌نماید.

مقامات سیاسی و دولتی مانند رهبر و رئیس جمهور و... خانواده آنان رسیدگی می‌نماید که به صورت غیرقانونی بدان افزوده نشده باشد.

همچنین، برای اجرای هر چه بهتر شفاف‌سازی دارایی مقامات دولتی، قانون خاصی لازم بود تا بتواند با پیش‌بینی سازوکارهایی، اعلام دارایی مقامات نظام را مدون نماید. از این رو، شاید در راستای الزام ایران در کنوانسیون مریدا، مجلس طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولین و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران» را در سال ۱۳۹۰ تصویب کرد که پس از رد آن توسط شورای نگهبان قانون اساسی، در راستای اصل ۱۱۲ قانون اساسی جهت رسیدگی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده است. به منظور افزایش اعتماد عمومی مردم به مسئولین جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء سلامت اداری، طرح مذکور یکی از شرایط تصدی سمت‌های موضوع آن طرح را، تعهد مقامات و مسئولین مربوطه به خوداظهاری دارایی خود و خانواده آنان منوط نموده است.

ماده ۲ طرح فوق‌الذکر اشعار می‌دارد: به منظور افزایش اعتماد عمومی مردم به مسئولان جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء سلامت اداری از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون یکی از شرایط تصدی سمت‌های موضوع این قانون، تعهد به ارائه فهرست دارایی‌های خود، همسر و فرزندان تحت تکفل، در قالب خوداظهاری به قوه قضائیه است.

در ایران طبق ماده ۴ طرح مذکور، مقامات دولتی باید کلیه اموال غیر منقول و حقوق دارای ارزش مالی، مطالبات و دیون، سرمایه‌گذاری و اوراق بهادار، موجودی حساب‌های مختلف در بانک‌ها، مؤسسات مالی اعتباری و نظایر آن‌ها و هرگونه منبع درآمدی مستمر را اعلام نماید که به نظر می‌رسد در راستای بندت از ماده ۲ کنوانسیون مریدا است که اموال را به دارایی‌ها از هر نوع اعم از مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، ملموس یا غیرملموس و اسناد قانونی یا اسناد مبین حق یا منافع در دارایی‌های مزبور اطلاق نموده است. مزیتی که طرح مزبور به کنوانسیون دارد آن است که دیون نیز باید اعلام گردد؛ زیرا، گاهی ممکن است یکی از مسئولین قبل از شروع به خدمت دیونی داشته باشد و پس از پایان دوره خدمت دیون وی نیز پرداخت شده باشد.

۱-۲ پیشگیری از فساد مالی ناشی از عدم اعلام دارایی

در مورد لزوم اعلام دارایی باید گفت که اولاً، الزام مقامات دولتی به اعلام کامل دارایی‌ها در مراحل مختلف خدمت آن‌ها، معیاری را برای شناسایی اموال و دارایی‌ای به دست می‌دهد که ممکن است از طریق فساد مالی به دست آمده باشند؛ زیرا، قطعاً با حقوق و مزایای محدود و مشخص بخش دولتی امکان افزایش ناگهانی ثروت برای مقامات دولتی بسیار کم است. همچنین، وجود قوانین بازدارنده و سیستم‌های افشای وضعیت مالی نهادها و فعالان سیاسی می‌تواند در

پیشگیری از فساد مالی مؤثر باشند؛ زیرا، می‌توانند موجب شوند که مقام دولتی تصور نماید در صورت ارتکاب فساد و به دست آوردن عواید ناشی از فساد مالی در معرض رؤیت نهادهای نظارتی و قضایی قرار دارد. نقطه آغاز این نظارت، اعلامی است که مقام دولتی از اموال خود داشته است و هرگونه افزایش نابه‌جا در آن قابل محاسبه و کشف خواهد بود و با پاسخ‌های اداری و کیفری مواجه خواهد شد. اعلام دارایی می‌تواند در کشف فساد مالی و اثبات آن مؤثر باشد؛ زیرا، گاهی اوقات ادله‌ای بر ثروت‌های مشکوک مقامات دولتی مشاهده می‌شود و در صورت نبود آن ادله که فساد مالی را ثابت می‌کند، نهادهای نظارتی و بازرسی نمی‌توانند دلایلی را برای اثبات مجرمیت مرتکب اعمال فسادآمیز به دست آوردند. در نتیجه، مقام مذکور تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد و این به معنای بدون کیفر ماندن بسیاری از موارد فساد مالی خواهد بود (شاهیده و جوان جعفری، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

۱-۳ ضمانت اجرای عدم اعلام دارایی

به منظور مبارزه با فساد اداری و مالی مدیران بانکی، پیشنهادی از سوی صاحب‌نظران مطرح می‌شود که روش تنبیه است، تنبیه و برخورد با متخلفان البته می‌تواند از سطوح پایین و کم شروع شود و به تناسب میزان و مقدار فساد، به تنبیهات شدید منتهی شود، اما آنچه اهمیت دارد، این است که در اجرای مقررات تنبیه، اگر اعمال نفوذ شود، یعنی برای تخلفات جزئی شدت به خرج داده شود، اما برای سوءاستفاده‌های کلان شدت در تنبیه نباشد و در واقع بین کارکنان با مدیران تبعیض روا داشته شود، روش تنبیه به تدریج تاثیرگذاری خود را از دست خواهد داد؛ البته کارآمدی روش تنبیه در صورتی است که زمینه‌های فساد مالی به حداقل کاهش یافته باشد و وضع همین مقررات، خود زمینه تبعیض و فساد را فراهم نکند؛ به عنوان مثال، وقتی که سطح دستمزد در بخش دولتی و بخش خصوصی بسیار متفاوت است، کارمندان و مدیران بانکی‌های دولتی به سمت فساد مالی کشیده می‌شوند، یا اگر در بخش دولتی تفاوت دستمزد و دریافتی کارکنان نسبت به دستمزد و دریافتی مدیران فاصله زیادی داشته باشد، فساد مالی و اداری مدیران بانکی، یعنی گسترش رشوه و پورسانت با کلاهبرداری در خریدهای دولتی و فاکتورسازی‌ها از جمله پیامدهای مورد انتظار است که مقابله با ریشه‌های فساد را با مشکل روبرو می‌کند (گسن، ۱۳۹۲: ۴۶).

البته صاحب‌نظران برای مقابله با فساد مالی و اداری روش‌های دیگری را نیز مورد توجه قرار می‌دهند که از جمله روش‌های اخلاقی است، یعنی می‌توان در مواردی با تبلیغ باورهای معنوی و ویژگی‌های اخلاقی انسانی و با اشاره به مذموم بودن پدیده فساد مالی، تا حدودی جلوی فساد مالی و سوءاستفاده از قوانین و مقررات به نفع خود، دوستان و اطرافیان را در ادارات و نهادهای

دولتی گرفت؛ اما موفقیت رویکرد اخلاقی، مستلزم پایبندی مقامات و مدیران ارشد سیاسی و اجرایی به اخلاق در مدیریت سیاسی و مالی است، به نحوی که برای تثبیت قدرت خود و افزایش ثروت به فساد ترغیب نشوند.^۱

هدف از الزام مقامات دولتی به ویژه مدیران بانکی به اعلام دارایی، جلوگیری از وقوع فساد و شناسایی و برکنار کردن مقاماتی است که مرتکب اعمال فسادآمیز شده‌اند که این مهم نیازمند اعمال واکنش‌های مختلف است. ضمانت اجراهای مذکور می‌تواند دارای ماهیت قضایی، سیاسی و کیفری و اداری باشند و در هر حال باید به اندازه‌ای شدید باشند و با قاطعیت اجرا شوند که به عنوان عاملی بازدارنده عمل کنند.^۲

ضمانت اجرای مربوط به عدم اعلام دارایی را می‌توان در قانون مربوط به رسیدگی دارایی وزراء و کارمندان دولت مصوب سال ۱۳۳۷، در قالب انفصال موقت و دائم از خدمت (ضمانت اجرای اداری) و ضبط اموال (ضمانت اجرای کیفری) مشاهده نمود. ماده ۴ قانون مربوط به رسیدگی دارایی وزراء و کارمندان دولت مقرر نموده است: «اشخاص مشمول این قانون در صورتی که در مواعد مقرر صورت‌های مذکور در این قانون را بدون عذر موجه تسلیم ننمایند، بار اول به مجازات انفصال و محرومیت از خدمت از یک تا دو سال و در صورت تکرار به مجازات انفصال دائم و محرومیت از خدمت دولت و مؤسسات مذکور در ماده ۱ محکوم می‌شوند».

همچنین، ماده مذکور در خصوص اشخاصی که عالماً و عامداً بر خلاف واقع صورت دارایی خود را تنظیم نمایند و یا قسمتی از دارایی خود را کتمان نمایند، مجازات انفصال دائم و محرومیت از خدمت دولت و مؤسسات مذکور و ضبط آن قسمت از دارایی که در صورت اموال و دارایی ذکر نگردیده است و متعلق به خود کارمند می‌باشد را به نفع دولت، مقرر داشته است.

همانطور که ملاحظه می‌گردد، افراد مشمول قانون فوق علاوه بر اعلام وضعیت مالی خود باید صورت دارایی همسر و فرزندان خود را نیز ارائه نمایند. در این خصوص به نظر می‌رسد با توجه به اینکه راه قانونی جهت استناد به عدم علم و آگاهی از دارایی اعضاء خانواده باز می‌باشد، چنانچه قانونگذار همسر و فرزندان این اشخاص را نیز رأساً موظف به اعلام دارایی نماید روش مؤثری جهت جلوگیری از تحصیل اموال نامشروع و فساد اینگونه افراد باشد. مضافاً به اینکه طبق ماده فوق میزان اموال کتمان شده تنها در صورتی که متعلق به خود کارمند باشد ضبط خواهد شد. در

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ تقریرات جامعه شناسی جنایی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، ص ۳۸.

۲. شاملو، باقر؛ شاهیده، فرهاد و خلیلی باچی، عارف؛ سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال فساد مالی مقامات دولتی، در سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش دکتر امیرحسن نیازپور، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷، صص ۲۲۸-۲۲۹.

صورتی که مناسب بود این ضمانت اجرا با ایجاد تکلیف همسر و فرزندان اشخاص مشمول قانون به اعلام دارایی شامل ایشان نیز می‌گردد.

آنچه موجب تعجب است، آن است که در طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولین و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران هیچگونه ضمانت اجرایی برای مقام و مسئولی که فهرست دارایی خود را ارائه نکند، پیش‌بینی نشده است، در حالی که در ماده ۵ این طرح، افشاء یا انتشار اطلاعات مربوط به دارایی را جرم‌انگاری شده است.

این خلاء قانونی با بند ۶ ماده ۸ کنوانسیون مریدا که از دولت‌های عضو «اتخاذ اقدامات انضباطی و... را نسبت به مقامات دولتی که ضوابط یا مقررات برقرار شده براساس این ماده را نقض می‌کنند» را مطالبه کرده، در تعارض است. کنوانسیون مریدا از دولت‌های عضو از جمله دولت ایران اتخاذ تضمینات لازم را در اجرای برنامه «اعلام دارایی مقامات» به عنوان یکی از راهکارهای پیشگیری و مقابله با فساد مالی خواستار است. اگرچه اصل ۱۶۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام دارایی مقامات را پیش‌بینی کرده است، با این وجود لازم است نهایتاً با ارائه تضمینات کافی در طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولین و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای الزامات کنوانسیون مریدا در این حیطة اقدام شود (شیخ‌طیلمی، ۱۳۹۰: ۸۳).

۲. نظارت و کنترل

نظارت و کنترل به معنای دیدبانی محیطی است که جرایم در آن ارتکاب می‌یابند. ضرورت نظارت و کنترل در این است که با نبود کنترل درون افراد نیاز به کنترل یا نظارت بیرون بیشتر نمایان می‌شود و از آنجا که میزان کنترل درون در همه افراد یکسان نیست به منظور جلوگیری از هرگونه خطا می‌بایست دستگاه‌های نظارت فعال و مقتدری وجود داشته باشد نظارت و کنترل هم می‌تواند جنبه فنی داشته باشد و از طریق اشیاء و وسایل لازم صورت بگیرد و هم می‌تواند چهره انسانی داشته باشد. نظارت و کنترل، عینی‌ترین و تأثیرگذارترین شیوه پیشگیری از جرایم است. در واقع در چنین روشی عوامل و نهادهای متعدد پیشگیری در صحنه یا محیطی که امکان شکل‌گیری وجود دارد حضور دارند. از این رو چنین حالتی عرصه را برای کسانی که در صدد ارتکاب جرم هستند ناامن می‌نماید (توسلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

استفاده از ابزار فنی منطبق با پیشگیری وضعی است که «شامل اقدامات و روش‌هایی است برای کاهش فرصت که الف: به سوی شکل خاص از جرم نشان می‌رود ب: متضمن طراحی و مدیریت محیط به واسطه (صفحه و محل وقوع جرم یا همان نظر است و تحت نفوذ درآوردن هرچه پایدارتر و سازمان‌یافته‌تر حمل وقوع جرم است. ج: به طوری که زحمات و خطرات ناشی از اقدام

برای ارتکاب جرم را افزایش داده و سود حاصله به طوری که در نظر اکثر مرتکبین جلوه‌گر می‌شود را کاهش می‌دهد (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

به عنوان مثال می‌توان با نصب دوربین‌های مداربسته که البته نافی حقوق خصوصی و فضای شخصی کارمندان بانک نباشد، پیشگیری وضعی متضمن طراحی و مدیریت محیط را اعمال نمود. قرار دادن دوربین یعنی نظارت مستمر و پیگیر و بدون واسطه، و قطعاً، چون ریسک ارتکاب جرم را در محیط افزایش خواهد داد و کارمندان نظارت بی‌واسطه را از بدو تا ختم در ذهن خویش تصور خواهند نمود، می‌تواند واجد تأثیرات مهمی در پیشگیری از جرم باشد.

نظارت گاهی اوقات دولتی است و ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، ستاد ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد، دیوان محاسبات کشور، کمیسیون اصل ۹۰، سازمان بازرسی کل کشور، دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری و پیشگیری از مفاسد اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری به نظارت خواهند پرداخت. اما در خصوص بانک‌ها مهمترین بخش‌های نظارت عمدتاً، بازرسی‌ها و حراست‌های بانک‌ها هستند. در بازرسی‌های بانک‌ها معمولاً به دو شیوه بازرسی سالانه و بازرسی موردی، موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بدون تردید باید بازرسی بانک‌ها از مجموعه متشکل با قابلیت‌های بالا برخوردار باشد. لازم و ضروری است که در بخش بازرسی بانک‌ها نظارت‌های دوره‌ای افزایش یافته و محدود به نظارت یک مرتبه در سال نگردد. شایسته است که در بازرسی بانک‌ها تیمی از متخصص‌ترین افراد با قابلیت و دانش علمی روز و کارآمد حضور داشته باشند و اهرم‌های نظارت را در شکل و غالب مستمر ادامه دهند. چگونه می‌توان امید داشت که با نظارت سالیانه بتوان مفهوم نظارت را در عرصه عمل با اهداف آن منطبق کرد. لازم و ضروری است که در بانک‌ها نظارت از سوی بازرسی آن‌ها به نظارت ماهیانه تقلیل یافته و به علاوه در نظارت‌ها از حداکثر ظرفیت‌ها استفاده شود. اینکه صرفاً، یک نفر بازرس انتخاب و در شعبه‌ها حضور پیدا کند و بتواند برخی از آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد امری است که با لوازم و ضروریات پیشگیری، اندک تطابقی ندارد. ناتوانی این روش نسبت به مسئولان عالی مقام و قدرتمندان است. زیرا کنترل و نظارت عموماً، توسط بالا دستان برای زبردستان تعیین می‌گردد. در حالی که صحیح آن است تا نظارت و کنترل حالت چرخشی داشته باشد و همه افراد از بالا و پایین در معرض کنترل همدیگر باشند (توسلی زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

در یکی از پرونده‌های مطروحه در دادسرا و علیه کارمندان بانک وقت، کارشناسان دادگستری متخصص در امور بانکی به بررسی موضوع می‌پرداختند. عملاً، واضح و مبرهن گردید که کارمند متخلف که ریاست شعبه‌ای را نیز بر عهده داشت فضای امن و ایمنی را برای خود تصور می‌کرد و به تاخت و تازهای نامرسوم خویش در هدر دادن منافع بانک و مشتری از هیچ تلاش نیز کوتاهی

نمی‌کرد. در واقع رئیس شعبه که خود از مهمترین عوامل نظارتی در مجموعه تحت امر خود بوده به دلیل عدم نظارت بر او تا مبادرت به انجام اموری نموده که سال‌ها بعد نیز به صورت اتفاقی کشف شده است.

در بانک‌ها متأسفانه فقط در زمان بازرسی سالیانه در شعبات، از چند سند به عنوان نمونه استفاده شده و این فرصت وجود ندارد تا یک نفر بازرسی بتواند به بررسی جامع و مانع بپردازد. عمدتاً، جرایم مالی کارمندان بانک متعاقب شکایت اشخاص و قربانیان و مشتریان کشف شده‌اند. یعنی اینکه فردی اقدام به طرح شکایت نموده و بازرسان بانک در خصوص شکایت آن‌ها، مبادرت به تحقیق می‌نمایند. و در برخی از مواقع با همان بازرسی موارد متعدد دیگری نیز کشف می‌گردد. به همین دلیل است که باید گفت «رقم سیاه یعنی جرایمی که وقوع می‌پیوندد اما در آمار کیفی ذکر نمی‌گردد» (دانش، ۱۳۹۳: ۴۴)، در خصوص جرایم کارکنان بانک نیز وجود دارد.

۳. الکترونیکی شدن فعالیت بانکی

فناوری اطلاعات و ارتباطات نمونه بارزی از تغییر و تحولات بسیار سریع و شگفت‌آور هزاره دوم میلادی است. در این میان صنعت بانکداری با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات دچار تحول و تغییر بسیار از جمله سرعت، دقت، آسانی، استفاده و امنیت در مبادلات مالی تجاری، گردیده است که موجب در دسترس بودن ابزارهای متنوع الکترونیکی خدمات‌رسانی برای مشتریان بانک‌ها شده است. از جمله می‌توان به پرداخت‌های الکترونیکی و اینترنتی بانکداری از طریق تلفن‌های ثابت و سیار پایانه‌های فروش، ماشین‌های خودپرداز و غیره اشاره کرد. اما فناوری اطلاعات و ارتباطات با همه قابلیت‌ها و پیچیدگی‌ها به شدت در برابر تهدیدها آسیب‌پذیر است، از این جهت که فناوری اطلاعات علاوه بر تسهیلات ارتکاب جرایم سنتی فرصت‌های تازه و بسیار پیشرفته‌ای را در فضای مجازی در اختیار مجرمان قرار داده و باعث به وجود آمدن گونه جدیدی از جرایم به عنوان جرایم سایبر شده است (حبیب زاده و میرمجیدی، ۱۳۹۰: ۲۳).

به طور کلی بانکداری الکترونیکی عبارت است از: فراهم آوردن امکانات برای کارکنان در جهت افزایش سرعت و کارایی آن‌ها در ارائه خدمات بانکی در محل شعبه و همچنین فرآیندهای بین شعبه‌ای و بین بانکی در سراسر دنیا و ارائه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به مشتریان که با استفاده از آن‌ها بتوانند بدون نیاز به حضور فیزیکی در بانک هر ساعت از شبانه روز از طریق کانال‌های ارتباطی ایمن و با اطمینان عملیات بانکی دلخواه خود را انجام دهند (حسنی و سلطانی، ۱۳۷۸: ۲۴۶).

امروزه از بانکداری سنتی به سمت بانکداری دیجیتال در حرکت هستیم. اگرچه بانکداری نوین می‌تواند دارای نتایج بسیار در نظام مالی و پولی کشور از جمله موارد ذیل باشد.

- ۱- کاهش هزینه‌های بانکداری.
 - ۲- بانک‌ها به مرکز مشاوره تبدیل می‌گردند، لذا در ارتباط با پیش‌بینی و پیشگیری از جرایم آینده بانک‌ها نیز باید تدابیر جدیدی اندیشیده شود.
 - ۳- نقش نیروهای انسانی (کارکنان بانک‌ها) عوض می‌گردد.
 - ۴- دریافت و پرداخت‌های فیزیکی حذف خواهند گردید.
 - ۵- اگر شفافیت با توجه به الکترونیکی شدن ایجاد شود، با توجه به کاهش دخالت نیروی انسانی ارتکاب جرایم سنتی کاهش می‌یابد، هرچند جرایم الکترونیکی افزایش خواهد یافت.
 - ۶- گروه‌های نخبه فکر جدید و نوآوری را به وجود می‌آورند که این امر باعث بالندگی و توسعه تکنولوژی در بانک‌ها می‌گردد. البته به موازات آن جرایم بانک‌ها هم در فضای بانکداری الکترونیک توسط نخبه‌ها به وجود خواهد آمد.
- بانکداری الکترونیکی با در اختیار گذاردن فناوری نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مبتنی بر شبکه و مخابرات این امکان را برای مشتریان فراهم می‌آورد که بدون نیاز به حضور فیزیکی در بانک و با رعایت سرعت دقت، آسانی، استفاده و امنیت فعالیت‌های مورد نیازشان را انجام دهند. اما بانکداری الکترونیکی باعث شده که جرائم بانکی کارمندان بانک نیز در قالب جرائم رایانه‌ای و با استفاده از رایانه به وقوع پیوندد.
- به عنوان مثال کارمندی از بانک با تحصیل متقابله کد کاربری همکارش که مدت‌ها قبل از آن شعبه به محل دیگری منتقل شده است با ایجاد سند، از سرفصل مربوط به یارانه بخش دولتی، برداشت و به حساب شرکت دیگر واریز نموده و نهایتاً در مدت دیگر از گروه کاربری رئیس شعبه مجدداً با تنظیم سند برای مرتبه بعدی از همان سرفصل برداشت کرده و نهایتاً اینکه تسهیلات خود را با آن تسویه نموده است. همه این امور با استفاده از رایانه به وقوع پیوسته است و در واقع می‌توان گفت که جرایم رایانه‌ای کارمندان بانک معضلی بزرگ است. امروزه پیشگیری از جرایم رایانه‌ای و در بستر الکترونیک شدن فعالیت بسیاری از دستگاه‌ها به چالشی جدی تبدیل شده است از طرفی با تمام الکترونیک شدن فعالیت بانک‌ها امکان نظارت بر فعالیت کارمندان افزایش خواهد یافت و جرایم ارتکاب آنان از محدوده زمان کمتری با بهره‌گیری از ابزار الکترونیک کشف خواهد شد. در صورتی که نظارت رایانه‌ای کامل و جامع باشد نقش مهمی در پیشگیری خواهد داشت.
- بدون تردید کنترل رفتار کارمندان در بستر بانکداری الکترونیکی امری لازم و ضروری است هر چند کارمندان به عملکرد سیستم یا اطلاعات حساس نزدیکتر باشند، کنترل رفتار آن‌ها مهمتر است. باید رفتارهای مشکوک رفتارهایی که نشان دهند که فرد جرم رایانه‌ای را شروع کرده یا در خطر دخالت و شرکت در یکی از این جرایم است نیاز خواهیم داشت، انواع مختلف کنترل وجود

دارد بعضی از سازمان‌ها هر ساله شیوه اتفاق جدیدی از تحقیق درباره پیشینه را در مورد کارمندان‌شان به اجرا می‌آورند به دلیل اینکه کارمند هرگز نمی‌داند که چه کسی برای تحقیقات انتخاب خواهد شد این امر بخشی از برنامه حفاظت کارکنان محسوب می‌شود (آیکاو، ۱۳۸۳: ۱۸۶).

بدون تردید حفظ و حراست از رمز کاربری هر کارمند امری ضروری است در برخی از اوقات به جهت وجود سلسله مراتب اداری و امکان انجام برخی از مبادلات مالی صرفاً توسط رئیس شعبه برخی دیگر از کارمندان به دلیل اطلاعات ناقص رؤسای شعبه و یا اهمال در نگهداری رمز کاربری را در سیستم رئیس شعبه شده با کد او مبادرت به برداشت‌های غیرقانونی یا انتقال‌های خلاف قانون نموده و از این طریق مرتکب جرم خواهند شد. علاوه بر آن که رئیس هر شعبه در بانک باید از حیث نظارت بر اعمال و رفتار کارمندان بانک و به طور کل مجموعه تحت اختیار او سعی و تلاش مستمر داشته باشد. الزاماً باید مبادلات و فعالیت‌های رایانه‌ای کارمندان را نیز کنترل نموده و با توجه به الکترونیکی شدن بانک به هیچ عنوان اختیارات خویش را به کارمندان تفویض ننماید. بارها مشاهده شده رفتارهای ناصحیح رئیس یک شعبه، سبب سوء استفاده کارمند از حساب‌های بانکی شده و عملاً، ایجاد و حذف اسناد در سیستم به وقوع پیوسته، لذا لازم و ضروری است در خصوص پیشگیری از جرایم رایانه‌ای نیز آموزش‌های کامل و کافی ارائه شود.

۳-۱ تجهیز به رمز و کد و دوربین‌های مدار بسته

زمینه‌های ارتکاب جرم در محیط بانکی با افزایش نظارت مستمر و منظم، تجهیز بانک‌ها به تجهیزات ایمنی دارای رمز و کد، دوربین‌های مدار بسته و ... به حداقل برسد و زمینه‌ساز کاهش برخی جرایم بانکی مثل رشوه شود و از سوی دیگر با کاهش مراجعین زمینه لازم جهت نظارت مستمر و منظم بازرسی و حساب‌برسان بانک مرکزی فراهم شود که این افزایش نظارت منجر کاهش آمار جرایم مدیران بانکی می‌شود به عبارت دیگر میان ارتکاب جرم توسط مدیران بانکی با نظارت و بازرسی بانک مرکزی و مسئولین مربوطه رابطه‌ی معکوس وجود دارد. بدین نحو که هر چه بر میزان نظارت‌ها و بازرسی‌ها افزوده شود، میزان ارتکاب جرایم مالی مدیران یقه سفید بانکی کاهش خواهد یافت. زیرا مدیران مذکور به دلیل موقعیت حساس که خود را به نوعی زیر ذره بین نظارتی می‌بینند به خود جرأت ریسک ارتکاب جرم را نخواهند داد و صحت معکوس بودن رابطه‌ی نظارت و آمار ارتکاب جرایم مالی مدیران بانک نشان می‌دهد که در بانک‌ها و موسسات مالی که آمار جرایم مدیران آن‌ها بالا است.

۳-۲ بانکداری مجازی^۱

امروزه گسترش استفاده از اینترنت و فناوری‌های مربوط به آن، همه حوزه‌های تجارت و کسب و کار را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از حوزه‌هایی که در این بیشترین تحولات را تجربه کرده، صنعت بانکداری است. بانک‌ها به عنوان واسطه‌های قابل اعتماد تراکنش‌های الکترونیک تغییرات چشمگیری کرده‌اند تا بتوانند نقش خود را در مبادلات جهانی و تجارت الکترونیک حفظ کنند. فاصله گرفتن از بسترهای سنتی بانکداری، ابزارهای مالی متداول در آن‌ها و پرداخت به شیوه‌های مبتنی بر چنین بسترهایی سبب ظهور نهادهای نوینی شده است که هر یک از آن‌ها مسائل و بحث‌های جدیدی را پیش کشیده است. بانکداری سنتی، سیستمی مبتنی بر ارائه خدمات به طور حضوری و از طریق شعبات فیزیکی بود. تکنولوژی جدید، سیستم سنتی را بر آن داشت تا جهت پاسخگویی به نیازهای فزاینده در ابعاد وسیع، مدیریت تراکنش‌های متعدد و ارائه خدمات متنوع، جلوگیری از اتلاف وقت، کاهش هزینه‌های بانکداری و هزینه‌های نهایی استفاده‌کنندگان خدمات، جلب رضایت مشتریان و نهایتاً سودآوری بیشتر به استفاده گسترده از آن رو بیاورد. آخرین مدل بانکداری که جایگزین بانک‌های سنتی شده و به صورت صد در صد اینترنتی و بدون شعبه فعالیت می‌نماید (صنایعی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲)، این نقطه‌ای است که بانکداری به عنوان یک صنعت فراتر از صرف حضور فیزیکی و مقیاس دفاترش به عنوان پارامترهای سنجش توانایی یک بانک بلکه با کنار زدن محدودیت‌های زمانی و مکانی به طور «همیشگی» فعالیت می‌نماید. بانک‌های مجازی فعالیت‌های مشابه و ویژگی‌های مشابه خدمات بانکداری اینترنتی که توسط بانک‌های فیزیکی ارائه می‌شود را دارا هستند. به عنوان مثال، بانک‌های مجازی (مانند خدمات بانکداری اینترنتی ارائه شده توسط بانک‌های فیزیکی) اجازه دسترسی بیست و چهار ساعته به حساب‌های بانکی و کنترل بیشتر بر انتقال پول، به ویژه در مورد تراکنش‌های بین‌المللی را فراهم می‌کنند.

۴. دیدگاه کنوانسیون مریدا در خصوص پیشگیری وضعی از بزهکاری مدیران بانکی

کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (مریدا)، اولین توافق و سند الزام‌آور حقوقی در مورد فساد است که در سطح بین‌المللی به تصویب رسیده است.^۲ کنوانسیون مزبور شامل تمهیدات

1. Virtual Banking.

۲. قبل از آن کنوانسیون‌های متعددی در سطح منطقه‌ای از جمله: «کنوانسیون آمریکایی مقابله با فساد مصوب ۱۹۹۹» و «کنوانسیون اروپایی حقوقی کیفی راجع به فساد مصوب ۱۹۹۸»، همچنین «کنوانسیون اتحادیه آفریقا برای پیشگیری و مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳» به تصویب رسیده بودند.

قانونی و نهادی شناخته شده برای پیشگیری و مبارزه با فساد مالی است که در قوانین ملی بسیاری از کشورها و اسناد بین المللی مختلف آمده است. تصویب کنوانسیون در حوزه‌های قانونگذاری، قضایی و اجرایی، تعهدات و الزاماتی را برای دولت‌ها - مانند ایران^۱ - ایجاد خواهد کرد که می‌تواند در ارزیابی تشکیلات، پیشگیری و مبارزه با فساد مؤثر باشد.^۲

کنوانسیون مریدا به اقدامات کشورهای عضو جهت انجام اقدامات و ایجاد نظام‌های مورد نیاز مقامات دولتی در رابطه با فعالیت‌های بیرونی خود، استخدام، سرمایه‌گذاری، ذخایر ملی و هدایای کلان و یا منافی که ممکن است از آن، تضاد منافع در رابطه با وظایف آن‌ها به مقامات دولتی بروز کند اشاره نموده است. از این رو، دولت‌های عضو ملزم هستند با توجه به اصول قانون اساسی خود، اقدامات لازم را جهت اعلام دارایی و نظارت بر اموال و فعالیت‌های مالی مقامات دولتی و عواملی که باعث تعارض منافع می‌شود، انجام دهند. تدوین کنندگان کنوانسیون مریدا در بند ۶ ماده ۸ از دولت‌های عضو «اتخاذ اقدامات انضباطی و غیره را نسبت به مقامات دولتی که ضوابط یا مقررات برقرار شده براساس این ماده را نقض می‌کنند» را مطالبه کرده است. از جمله ضوابط و مقررات ماده ۸، اعلام دارایی مقامات است. با تعریفی که ماده ۲ کنوانسیون از مقام دولتی دارد، محدودیتی جهت اعلام دارایی توسط اشخاص دارای مشاغل قانونگذاری، اجرایی، اداری و قضایی وجود ندارد.^۳ از این رو، دولت‌های عضو از جمله ایران مکلفند نسبت به فرآیند اعلام دارایی و نظارت بر اموال و فعالیت‌های مالی مقامات دولتی اقدام نمایند.

همچنین، این کنوانسیون در بهبود شفافیت و پاسخگویی احزاب سیاسی از طریق تجویز عموم مردم به کسب آگاهی و ملاحظه روابط مالی و فعالیت‌ها و کارکردهای داخلی احزاب سیاسی، تلاش

۱. قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون مریدا در جلسه علنی خرداد ماه سال ۱۳۸۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مجمع تشخیص مصلحت نظام، پس از اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی در مورد خلاف موازین شرع بودن موادی از کنوانسیون از جمله مواد ۲ تا ۵۷، در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰، تصویب آن را موافق با مصلحت نظام تشخیص داد.

۲. در این راستا، ماده ۱ کنوانسیون مریدا هدف از تدوین این سند را پیشگیری و مبارزه مؤثرتر و کارآمدتر با فساد، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و افزایش مساعدت‌های فنی در زمینه پیشگیری و مقابله با این پدیده و ارتقاء درستکاری و پاسخگویی در میان کارگزاران و دستگاه‌های دولتی و عمومی اعلام کرده است.

۳. طبق ماده ۲ کنوانسیون مریدا: مقام دولتی، اطلاق می‌شود به: ۱- هر شخصی که دارای شغل قانونگذاری، اجرایی، اداری یا قضائی در کشور عضو اعم از انتصابی یا انتخابی و دائم یا موقت باشد و حقوق دریافت کند یا نکند صرف نظر از ارشدیت وی؛ ۲. هر شخص دیگری که کار دولتی را انجام می‌دهد از جمله دا نا - دولتی یا همان طور که در قانون داخلی کشور عضو تعریف شده است و همان گونه که در زمینت کشور عضو به کار رفته است، خدمات دولتی ارائه می‌دهد؛ ۳- هر شخص دیگری که به عنوان مقام قانون کشور عضو تعریف شده باشد، در هر حال از نظر بعضی از اقدامات مندرج در فصل (۲) اب مقام دولتی به معنی شخصی است که یک کار دولتی را انجام می‌دهد یا همان طور که در قانون دادی عضو تعریف شده است و همانگونه که در زمینه مربوط قانون کشور عضو به کار رفته است خدمات دولتی ارائه می‌دهد.

زیادی نموده است. در واقع شفافیت ابزار مهم شناسایی و پیشگیری از ارتکاب رفتارهای مجرمانه در قلمرو فعالیت‌های مالی و نیز محدود کردن آثار مخرب این جرایم است (نستور^۱، ۲۰۰۴: ۳۵۰). در مقدمه این کنوانسیون آمده است که موضوع پیشگیری و از بین بردن فساد مسئولیت تمامی دولت‌هاست و آن‌ها باید با یکدیگر و با افراد در گروه‌های خارج از بخش دولتی مثل جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های جامعه‌مدار برای مقابله با فساد همکاری مؤثر داشته باشند. این کنوانسیون به دنبال نگرانی‌هایی که در سطح بین‌الملل در مورد فساد و شیوع آن وجود داشت شکل گرفت و هدف اساسی آن یک همکاری فراملی و بین‌الدولی برای مبارزه پایدار با چنین پدیده مخربی بود.

در این خصوص بند ۳ ماده ۷ کنوانسیون مریدا بیان می‌دارد: «هر کشور عضو، همچنین مطابق با اهداف این کنوانسیون و براساس اصول قانون داخلی خود اتخاذ اقدامات اداری و قانونی مقتضی را مدنظر قرار می‌دهد تا شفافیت را در تأمین مالی نامزدها برای مشاغل منتخب دولتی و در جایی که صدق کند تأمین مالی احزاب سیاسی را نیز ارتقاء دهد».

از آنجا که دولت ایران نیز عضو کنوانسیون می‌باشد، از این رو، برای تطبیق خود با آن باید ساز و کارهایی را پیش‌بینی نماید تا پاسخگوی الزامات فوق باشد. بنابراین، تلاش مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و هیأت دولت جهت تهیه و تصویب قوانینی که بتوانند به طور مؤثری در پیشگیری کیفی و غیرکیفری از فساد مالی مفید باشند بررسی خواهد شد و ایرادات و مزایای آن‌ها تحلیل خواهد گردید.

۴-۱ اعلام داریی مقامات

در بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون مریدا، هر چند به صورت غیرصریح، به این مهم اشاره شده و تأکید گردیده تا با ارسال اظهاریه‌هایی این مورد جنبه عملی به خود گیرد. طبیعتاً الزام تمام افراد دولت به این امر ممکن و قابل اجرا نبوده و صرفاً برای اشخاصی که در سطح خاصی از ارشدیت قرار دارند، قابل اجرا است (لانگست، پیتر و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۶۹).

اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با پذیرش این راهکار پیشگیری وضعی، اعلام می‌نماید که «داریی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد»، البته ضمن وجود نقیصه‌هایی در این خصوص، امکانات و ساز و کارهای خاص و کافی جهت اجرای این مسئله پیش‌بینی نشده است.

۴-۲ دشوار کردن ارتکاب جرم

در کنوانسیون مریدا، می‌توان مصادیقی از این تکنیک پیشگیری وضعی را در مورد جرایم فساد مالی و ارتشا و اختلاس ملاحظه نمود. بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون درخواست نموده هر کشور عضو تلاش نماید تا در چارچوب نظام حقوقی و سازمانی خود، مقررات یا استانداردهای رفتاری را جهت اجرای صحیح و مناسب عملکردهای دولتی مهیا نماید، در حقیقت ناظر به نوعی کنترل فنی ابزار در اختیار کارگزاران دولتی است تا از طریق آن، رفتارهای مبتنی بر فساد و ارتشا به حداقل برسد.

همین طور در قسمت‌های «ت و ث» بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون مریدا، راهکارها و تکنیک‌هایی جهت دشوار ساختن ارتکاب فساد، ارتشا و اختلاس ارائه شده است. در قسمت «ت» بند مذکور، پیشنهاد شده تا کشورهای عضو، نظام و سیستمی را ایجاد کنند تا از طریق آن، اطمینان حاصل شود که راهکارهای مقابله با نقض قواعد و تشریفات مقرر قانونی، مدنظر قرار گرفته و اجرا می‌شود.

قسمت «ث» این بند هم پیش‌بینی نموده است تا در صورت لزوم، اقداماتی جهت تنظیم مسایل مربوط به فرد مسئول کارپردازی مثل اعلام سود در کارپردازی‌های دولتی ویژه، بررسی مراحل کاری و نیازهای آموزشی انجام گردد. ماده ۱۰ کنوانسیون نیز ضمن توصیه به دولت‌های عضو در شفافیت اقدامات و فعالیت‌ها در بخش‌های دولتی، برخی راهکارها را جهت رسیدن به این موضوع و تدارک پیشگیری وضعی از فساد مالی از جمله تسهیل تشریفات اداری و انتشار اطلاعات و گزارش‌های دوره‌ای در خصوص خطرات فساد در مدیریت دولتی و اقداماتی نظیر آن را گوشزد می‌نماید (طالبی کلیشمی، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

با شفافیت تشریفات اداری، به طور طبیعی از ارتکاب جرایم فساد مالی که گاهی ناشی از تشریفات پیچیده و مبهم اداری است، پیشگیری به عمل می‌آید. در حقوق داخلی نیز در بندهای ب و ج ماده ۸ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، دشوارسازی ارتکاب جرم از طریق دشوار ساختن دسترسی به سیل جرم یا بزه دیده بالقوه مدنظر قرار گرفته است.

۴-۳ بالا بردن خطر شناسایی جرم

بند ۴ ماده ۸ کنوانسیون مریدا که طی آن کشورهای عضو را بر آن داشته تا اقدامات و نظام‌هایی را جهت تسهیل گزارش دهی فساد به مراجع مربوط توسط مقامات دولتی پیش‌بینی کنند تا در مواقعی که به چنین اعمالی در حال اجرای وظایف خود برخورد می‌کنند، آن‌ها را گزارش و اعلام کنند، می‌تواند یکی از مصادیق همین ساز و کار نظارت و کنترل محسوب گردد تا از طریق اعمال اصل شفافیت، ترس مرتکب از افشای جرم و دستگیری عاملی جهت صرف نظر کردن از ارتکاب جرم و تغییر وضعیت پیش‌جنایی باشد (جعفرپور صادق، ۱۳۹۴: ۲۲۸).

مدلول بند ۶ ماده ۸ و قسمت‌های مختلف بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون، مصادیق مختلف دیگری از کنترل و نظارت شامل توزیع عمومی اطلاعات درباره تشریفات قراردادها و مناقصات و... را پیش‌بینی نموده است. بالا بردن خطر شناسایی مرتکبین، در سیاست جنایی تقنینی ایران نیز مغفول نمانده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۹، دولت را موظف نموده است تا ثروت‌های نامشروع ناشی از رشوه را گرفته و به صاحب حق رد کند. ماده ۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی نیز، تمامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌ها و دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها را موظف نموده تا در اجرای این قانون سوابق مربوط به همه وزرا، معاونان، مدیران کل وزارتخانه‌ها و سایر مقامات ذی‌نفوذ مقرر در این ماده را بررسی نموده و هرگاه به موارد مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی برخورد نمایند، موضوع را در محاکم صالحه طرح نمایند. بلکه باید همانطور که در اصل ۴۹ قانون اساسی نیز ذکر گردیده، کلیه این مسایل با رعایت اصول قانونی و قضایی و رعایت حقوق و آزادی‌های افراد صورت پذیرد. این قبیل اقدامات که نوعی نظارت و کنترل قانون مند محسوب می‌شود، خطر شناسایی جرم را افزایش داده و نتیجه کاهش این نوع جرایم را به دنبال دارد.

نتیجه‌گیری

پس از کشف فساد گسترده در شبکه بانکی کشور که به پرونده ۳ هزار میلیاردی معروف شد و بانک‌های ملی، صادرات، سامان، سپه، صنعت و معدن، پارسیان و آریا در آن دخیل بودند، اهمیت بزهکاری مدیران بانکی در قبال تسهیلات بانکی پیش از قبل نمایان شد و این نمونه بخشی از فساد بانکی که هم قبل از این اتفاق و هم بعد از آن شاهد آن در سیستم نظام بانکی مان بوده‌ایم، از این رو می‌توان با استفاده از راه کارهای پیشگیری وضعی فرصت‌های ارتکاب جرم و خلأهای نظارتی را پوشش داد و زمینه‌های ارتکاب این جرایم را کاهش داد. اگرچه در حوزه پیشگیری از بزهکاری مدیران بانکی در قبال تسهیلات مالی می‌توان از هر دو گونه راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی و وضعی استفاده نمود، اما پیشگیری وضعی بنابر دلایلی، هم چون سرعت در رسیدن به نتیجه، بیشتر مورد اقبال قرار گرفته است. در این راستا یکی از راهکارهای پیشنهادی، کنترل دارایی‌های مدیران بانکی و پایش مستمر آن است. این امر می‌تواند حس در معرض نظارت بودن را برای آن‌ها ایجاد کند و نخست، از وقوع فساد توسط آن‌ها پیشگیری نماید و دوم، در صورت وقوع فساد در قبال تسهیلات مالی و به دست آوردن عوایدی ناشی از آن، فساد ارتكابی توسط آن‌ها سریعاً کشف گردد و سایر اقدامات مقتضی قانونی در خصوص آن‌ها صورت پذیرد.

منابع

- آیکاو، دیوید جی (۱۳۸۳). راه‌های پیشگیری و مقابله با جرایم رایانه‌ای، مترجم: اکبر استرکی و محمدصادق روزبهرانی و تورج ریحانی و راحله الیاسی، معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۴). رویکرد قانونگذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، ۶ (۲): ۷-۳۷. قابل بازیابی از: https://jol.guilan.ac.ir/article_1391.html
- توسلی زاده، توران (۱۳۹۰). پیشگیری از جرایم اقتصادی در سیاست جنایی ایران و اسناد سازمان ملل متحد، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران پردیس فارابی.
- حبیب زاده، محمد جعفر و میرمجیدی، سید سپیده (۱۳۹۰). نقش بانکداری الکترونیکی در پولشویی و روش‌های مقابله با آن، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۵ (۱): ۴۳-۲۳. قابل بازیابی از: <https://clr.modares.ac.ir/article-20-8627-fa.html>
- حسنی، فرنود؛ سلطانی، سهیلا (۱۳۷۸). مدیریت بانکداری الکترونیکی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
- جعفرپور صادق، الهام (۱۳۹۴). مطالعه جرم‌شناختی ارتشاء، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
- شاملو، باقر؛ شاهیده، فرهاد و خلیلی باچی، عارف (۱۳۹۷). سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال فساد مالی مقامات دولتی، در سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش دکتر امیرحسن نیازپور، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- شاهیده، فرهاد و جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۹۴). فساد مالی ناشی از عدم شفافیت مالی دارایی نهادها و فعالان سیاسی، فصلنامه تعالی حقوق، ۷ (۱۲): ۱۲۱-۱۵۰. قابل بازیابی از: <https://www.magiran.com/volume/42558>
- شیخ طلیمی، میثم (۱۳۹۰). آثار الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) در قلمرو پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید.
- دانش، تاج زمان (۱۳۹۳). مجرم کیست جرم‌شناسی چیست، تهران: انتشارات کیهان، چاپ دوازدهم.
- دیلیو پارتی افسو ساماه و سوپرامنین، راج (۱۳۸۶). چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد، ترجمه احمد رنجبر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- صفاری، علی (۱۳۸۰). مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی، ۴ (۳۴)- (۳۳): ۲۶۷-۳۲۱. قابل بازیابی از: https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56568.html

- صناعی، علی و دیگران (۱۳۹۲). تحلیل عوامل مؤثر بر پذیرش بانکداری مجازی به عنوان نسل جدید بانکداری الکترونیک با مطالعه موردی بر روی شهروندان الکترونیک، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین، ۳ (۳): ۲۰-۱. قابل بازیابی از:

https://nmrj.ui.ac.ir/article_17662.html

- طالبی کلیشمی، علی مراد (۱۳۹۶). ارتشاء و اختلاس در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول

- گسن، ریموند (۱۳۹۲). جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مجلد.

- لانگست، پیترو و دیگران (۱۳۸۷). برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد، ترجمه حمید بهره مند و امیرحسین فراهانی جلالی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷). سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، در نیاز پور، امیر حسن «به کوشش»، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی - مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی در زمینه جرایم اقتصادی، چاپ اول، نشر میزان، تهران، چاپ اول.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). تقریرات جامعه‌شناسی جنایی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- Nestor, Stilpon(2004), The Impact of Changing Corporate Governance Norms of Economic Crime, Journal of Financial Crime, Henry Stewart Publications, 11 (4): 347-352. Retrieval from:https://www.researchgate.net/publication/235271711_The_impact_of_changing_corporate_governance_norms_on_economic_crime